

Insight pathology of the culture of Mahdism and expectation

Dr. Mahmoud Maleki Rad ¹

Dr. Akbar Asadalizadeh ²

Abstract

Pathology is a study that aims to identify and treat disorders and injuries. Insightful and epistemological pathology of Mahdism culture and expectation is to know the factors that create and lay the ground for pests and damages that may occur in the insight and epistemology layer of Mahdism culture. It is assumed that the doctrine of Mahdism has a role and function in different levels of insight, value, normative, behavioral and symbolic culture. In order to protect the culture of Mahdism, it is necessary from the damages that may be caused to different layers of the culture; be discussed In this research, it was done with a qualitative approach and with a descriptive-analytical method, and the problem of this research is to identify and introduce the damage of vision of Mahdavi culture and to this main question: "The most important damage of insight and knowledge that is noticed in the culture of Mahdavi and expectations; Which? It has been answered and the conclusion has been reached that: showing the teaching of Mahdism weakly and taking a superficial view of it, negative perception of expectation, etc. is one of the most important damages of insight and knowledge that the culture of Mahdism and expectation may suffer. The analysis of the mentioned cases is one of the most important findings and innovations of this article.

Keywords: Pathology, Cognition, Culture, Mahdism, Waiting

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. Faculty Member of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture (Responsible Author)
2. Faculty Member of the Research Institute of Islamic Sciences and Culture

آسیب شناسی بینشی فرهنگ مهدویت و انتظار*

محمود ملکی راد^۱

اکبر اسدعلیزاده^۲

چکیده

آسیب شناسی مطالعه‌ای است که با هدف شناسایی و درمان اختلالات و آسیب‌ها صورت می‌گیرد، و برآیند آن پیشنهاد راه‌حل‌های مناسب برای دفع و یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد. آسیب شناسی بینشی و معرفتی فرهنگ مهدویت و انتظار عبارت است از شناخت عوامل پدیدآورنده و زمینه‌ساز آفات و آسیب‌هایی که در لایه بینشی و معرفتی فرهنگ مهدویت ممکن است صورت بگیرد. مفروض این است که آموزه مهدویت در لایه‌های مختلف بینشی، ارزشی، هنجاری، رفتاری و نمادی فرهنگ دارای نقش و کارکرد است. گاه ممکن است به جهاتی در این حوزه‌ها آسیب و اختلال به وجود آید و کارکرد لازم خود را از دست بدهند. از این رو به منظور صیانت از فرهنگ مهدویت ضروری است از آسیب‌هایی که ممکن است متوجه لایه‌های مختلف فرهنگ گردد؛ بحث و گفتگو شود. در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی از لایه بینشی و معرفتی فرهنگ مهدویت آسیب شناسی صورت گرفته و شناخت و معرفی آسیب‌های بینشی فرهنگ مهدویت، مسئله این تحقیق است و در این راستا به این سؤال اصلی که: «مهم‌ترین آسیب‌های بینشی و معرفتی که متوجه فرهنگ مهدویت و انتظار می‌شود؛ کدام است؟ پاسخ داده شده و در نهایت به این نتیجه دست یافته است که: سست نشان دادن آموزه مهدویت و برداشت سطحی از آن، برداشت منفی و ایستا از انتظار، برداشت ناصواب از روایات ظهور، تلقی نادرست از روایاتی که هرگونه قیام قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) را محکوم به شکست می‌دانند، و روایاتی که شرط تحقق ظهور را فراگیری ظلم و جور می‌دانند، همچنین نقل‌گرایی و عدم اتکا به دلیل عقلی، تمسک به روایات ضعیف و جعلی، عدم بهره‌لزم و کافی از مبانی اعتقادی و فکری مهدویت و... از مهم‌ترین آسیب‌های بینشی و معرفتی است که ممکن است فرهنگ مهدویت و انتظار بدان دچار شود. تبیین و تحلیل موارد یاد شده از مهم‌ترین یافته‌ها و نوآوری‌های این مقاله است.

واژگان کلیدی

آسیب شناسی، بینش، فرهنگ، مهدویت، انتظار.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۸/۲۸

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۸/۱۲

۱. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (نویسنده مسئول).

۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

آموزه مهدویت که یکی از آموزه‌های مهم دین اسلام است در فرهنگ اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از فصول مشترک مذاهب اسلامی به حساب می‌آید. و در لایه‌های مختلف فرهنگ اعم از اعتقادی، اخلاقی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی اثربخش است و می‌تواند بینش‌ها و نگرش‌های صحیح را ایجاد نماید. آثار و کارکردهای فرهنگی مهدویت و انتظار سبب ایجاد آمادگی جامعه در زوایا و حوزه‌های مختلف اعتقادی و فکری، اخلاقی و تربیتی، و سیاسی می‌شود و در نتیجه نشاط، پویایی، وظیفه‌شناسی، روح امید آرمان‌گرایی را در افراد زنده می‌کند و موجب می‌گردد تا زمینه‌های لازم برای ظهور و تحقق جامعه موعود و آرمانی اسلامی که در اندیشه اسلامی از آن به حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام یاد شده است؛ فراهم آید. بنابراین فرهنگ مهدویت و انتظار آثار و کارکردهای مختلفی می‌تواند برای تعالی جامعه منتظر داشته باشد. اما گاه ممکن است دچار اختلالاتی شود که کارکردها و آثار لازم بر آن مترتب نشود؛ و حتی آثار معکوسی داشته باشد. از این رو ضروری است آسیب‌ها و اختلالاتی که ممکن است فرهنگ مهدویت و انتظار بدان دچار شود؛ مورد شناسایی قرار گیرد و جامعه منتظر نسبت به آنها آگاهی لازم را پیدا نماید. چون در آسیب شناسی اختلالات و آسیب‌ها شناخته می‌شوند و برای درمان اختلالات و آسیب‌ها راه‌حل‌هایی پیشنهاد می‌شود.

پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از رویکرد کیفی، آسیب‌های بینشی و معرفتی فرهنگ مهدویت و انتظار را مورد واکاوی قرار دهد و به این پرسش پاسخ گوید که: «مهم‌ترین آسیب‌های بینشی و معرفتی که متوجه فرهنگ مهدویت می‌شود؛ کدام است؟»

از نظر پیشینه‌شناسی در کتاب *مهدویت پژوهی تطورات و آسیب‌ها* نوشته آقای حسین الهی‌نژاد در بحث آسیب‌ها به این بحث پرداخته شده است. در این کتاب در فصل چهارم از بخش اول به گونه‌ها و مبانی آسیب‌شناسی مهدویت پژوهی اشاره شده است. همچنین در ادامه در بخش دوم به آسیب‌شناسی از منشورات مهدوی پرداخته شده است و در نهایت در فصل اول از بخش سوم نیز با عنوان آسیب‌شناسی در حوزه دانش مهدویت پژوهی به مباحثی چون استبعادورزی از گرایش و رشته بودن مهدویت پژوهی و عدم اهتمام جدی مراکز مهدوی به شکل‌گیری دانش مهدویت پژوهی و حصرگرایی روشی در توجیه مسائل مهدویت پژوهی و روی‌آوری به مباحث انتزاعی و دوری از مباحث کاربردی پرداخته شده است.

همچنین در کتاب *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت* نوشته آقای محمود ملکی راد در فصل پایانی آن کتاب مباحث کلی پیرامون آسیب‌های اجتماعی مهدویت به میان آمده است و

به برخی از آسیب‌هایی که ممکن است فرهنگ مهدویت بدان دچار شود نیز اشاره شده است. لازم به یادآوری است که در منابع یاد شده به شیوه‌ای که در این مقاله که صرفاً به مهم‌ترین آسیب‌های بینشی و معرفتی که متوجه فرهنگ مهدویت و انتظار می‌شوند؛ اشاره نشده است. بنابراین رسالت این نوشته تبیین و تحلیل این دسته از آسیب‌هاست؛ طبعاً تبیین و تحلیل آسیب‌هایی که متوجه لایه‌های دیگر فرهنگ یعنی لایه ارزشی و هنجاری و رفتاری و نمادی می‌شود؛ از رسالت این نوشته خارج است و نیازمند کار پژوهشی دیگر است.

مفهوم‌شناسی

آسیب‌شناسی

آسیب‌شناسی «PATHOLOGY» در لغت به معنی «مطالعه نحوه پیشرفت بیماری‌ها و اختلالات است» (آکسفورد) آسیب‌شناس علل و تأثیرات بیماری را مورد بررسی قرار می‌دهد و آن را به صورت علمی مورد مطالعه قرار می‌دهد. معادل فارسی آن عیب‌شناسی، مشکل‌شناسی، نقص‌شناسی است (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۶۴۳).

اصطلاح آسیب‌شناسی در همه رشته‌های علوم اعم از کاربردی، پایه، تجربی، طبیعی و انسانی به کار گرفته شده و به تبع آن در ادبیات دینی نیز بیش از یک سده است که مورد توجه اصلاح‌طلبان مسلمان قرار گرفته است (الهی‌نژاد، ۱۴۰۱: ش ۳۶).

با توجه به معنای لغوی آسیب‌شناسی مطالعه‌ای است که با هدف شناسایی اختلالات و آسیب‌ها صورت می‌گیرد. با این وصف آسیب‌شناسی در معنای اصطلاحی فراتر از پزشکی مطرح می‌شود و حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نیز کاربرد دارد.

بینش

بینش اسم مصدر از دیدن و در لغت به معنی بینائی (دهخدا، ۱۳۷۲: ج ۳، ۴۵۹۴) و بینندگی (عمید، ۱۳۶۳: ج ۱، ۴۸۲) و رؤیت و بصیرت (معین، ۱۳۶۴: ج ۱، ۶۳۴) آمده است. و در اصطلاح عبارت است از يك روش نسبتاً ثابت در فکر (آذربایجانی، ۱۳۹۶: ش ۱۳۶). بینش‌ها و باورها، نقش مهمی در ساحات مختلف اجتماع دارند و از عوامل مؤثر در تحکیم و تعالی فرهنگ جامعه و رکن اول از ارکان فرهنگ به حساب می‌آیند. زیرا بینش نقش مهمی در رفتار و کردار آدمی دارد و سرچشمه اصلی آن به حساب می‌آید. براساس بینش‌ها و باورها، هر فردی به کرداری خاص، خود را پایبند می‌کند و یا از انجام کار خاصی اجتناب می‌ورزد. در حقیقت ارزش‌های حاکم بر یک جامعه بر طبق بینش‌های افراد آن جامعه شکل می‌گیرد و در

رفتار مردم بروز و ظهور پیدا می‌کند. و نمادها و سمبل‌ها براساس آن سامان می‌یابند و تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند.

فرهنگ مهدویت

فرهنگ مهدویت مرکب از اندیشه‌ها، باورها، اصول و اعتقادات مربوط به آموزه مهدویت است که ارزش‌ها و باید‌ها و نبایدهای مبتنی بر آن، هنجارها و الگوهای رفتاری و کرداری خاصی را ایجاد می‌کند و آمادگی‌ها و زمینه‌های لازم را برای ظهور فراهم می‌آورد. در این مقاله آسیب‌های بینشی و معرفتی که ممکن است متوجه فرهنگ مهدویت و انتظار شود مورد بررسی قرار داده خواهد شد. مهم‌ترین این آسیب‌ها را می‌توان به قرار ذیل دسته‌بندی و تقسیم نمود؛

ضعف بینشی نسبت به مبانی فکری و عقلی مهدویت

مبانی فکری عبارت از پایه‌ها و زیرساخت‌هایی است که یک امر اعتقادی بر آن استوار است. مبانی فکری به واسطه تنوع موضوعاتش متنوع خواهد بود. مانند مبانی هستی‌شناختی، مبانی معرفت‌شناختی، مبانی انسان‌شناختی و....

بین مبانی فکری و آثار و لوازم باور به چیزی رابطه مستقیم وجود دارد؛ یعنی هرچه مبانی فکری باوری از عمق و استحکام بیشتری برخوردار باشد به همان میزان نیز آن باور و آثار و لوازم آن از استحکام بیشتری برخوردار است و در برابر آسیب‌ها مقاوم‌تر و نفوذناپذیرتر خواهد بود. امامت و مهدویت به عنوان مصداقی از مصادیق امور اعتقادی بر پایه‌ها و زیرساخت‌هایی استوار است. در مباحث کلامی به آنها مبانی فکری آن اعتقاد گفته می‌شود که بنایی استوار از جهت اعتقادی ایجاد می‌کنند؛ به صورتی که به راحتی قابل زوال و انهدام نباشند. بدین ترتیب هر چه قدر معتقدان به آموزه مهدویت از بنیان‌های فکری و اعتقادی عمیق‌تری نسبت به امامت و مهدویت برخوردار باشند به همان میزان در مقابل شبهات و آسیب‌ها مقاوم‌تر خواهند بود.

عدم توجه به مبانی فکری مهدویت و بهره کافی و لازم از آن، یکی دیگر از آسیب‌ها در حوزه کارکرد بینشی آموزه مهدویت به حساب می‌آید؛ و ممکن است آسیب‌های ذیل را در پی داشته باشد:

۱. تزلزل در باور به امامت و مهدویت؛

۲. برداشت ناصواب از آموزه مهدویت و سست و بی پایه نشان دادن آن؛

۳. انکار اصل مهدویت و وجود امام زمان علیه السلام و یا تردید و تشکیک در آن؛
 ۴. ایجاد زمینه‌های لازم برای مدعیان دروغین در عرصه مهدویت؛
 ۵. کم‌اهمیت جلوه دادن آموزه مهدویت در اثرگذاری در تحولات فکری و فرهنگی؛
 ۶. برجسته نمودن شور و احساسات و عواطف و عدم توجه به مبانی فکری.
- گفته شد مبانی عقلی و فطری از مهم‌ترین مبانی معرفتی آموزه مهدویت محسوب می‌شوند که در شناخت و توجیه‌پذیری مهدویت با واقع، و به جنبه حکایتگری آن با واقع تأکید دارند. با تمسک به اصول و مبانی نظری و عقلی می‌توان در فهم درست و دفاع منطقی از آموزه‌های مهدویت از آن کمک گرفت. چون آموزه مهدویت همانند سایر آموزه‌های دینی «مبتنی بر مبانی صحیح و معقول و مستحکمی است که این عقیده را از هرگونه تشکیک مصون ساخته و آن را غیر قابل خدشه کرده است» (صافی گلپایگانی، ۱۳۹۳: ۲۳).
- در واقع آموزه مهدویت متأثر از مبانی مختلف است که می‌توانند آن را توجیه کنند و بر درستی آن تأکید نمایند. برخی از مهم‌ترین مبانی هستی‌شناختی آن عبارتند از:

الف) مهدویت و تدبیر الهی

حاکمیت تدبیر الهی یکی از مبانی هستی‌شناختی است؛ براساس آن جهان هستی تحت اراده و تدبیر خداوند است.

در معنای تدبیر، عناصری مانند تفکر و اندیشه، چینش و ترتیب خاص اشیا و امور، هدف و غایت داشتن لحاظ شده است. بر این اساس «جهان همانند یک سیستم یا دستگاهی است که اجزا و قطعات آن بر پایه طراحی برآمده از آگاهی برای دستیابی به اهداف و غایاتی از پیش تعیین شده تنظیم و چینش شده است» (ترخان، ۱۳۹۵: ۴۴).

بر این اساس از طرفی جهان هستی در سایه تدبیر الهی اداره می‌شود. و از طرف دیگر تدبیر الهی مستلزم استقرار نظم در جهان هستی است. و از طرف سوم استقرار و حاکمیت همیشگی و فراگیر ظلم و ستم در زمین از مظاهر بی‌نظمی است و با تدبیر الهی در تنافی است. زیرا جهان هستی در سایه تدبیر الهی اداره می‌شود و تدبیر الهی، قسر دائم^۱ بر استقرار همیشگی ظلم و

۱. قسر در اصطلاح به معنای منع کردن و ممنوع کردن چیزی از اثر طبیعی خودش است. مثلاً اثر طبیعی آتش سوزاندگی است حال اگر چیزی جلوی سوزاندگی آتش را بگیرد و نگذارد آن بسوزاند؛ این را قسر گویند و عقلاً امری محال است. اثر طبیعی انسان به کمال رسیدن و رو به سوی خداوند داشتن است. حال اگر چیزی جلوی این کمال را بگیرد و نگذارد هیچ‌وقت انسان به کمال برسد این امر عقلاً محال است. منظور از قسر اکثری آن است که چیزی در طبیعت در اکثر دوره عمرش از اقتضای ذاتی خود محروم شود. این هم عقلاً محال است. پس باید گفته شود که هر موجودی و هر پدیده‌ای در

ستم در جهان را بر نمی‌تابد. بنابراین تدبیر الهی اقتضا می‌کند که یک روزی فرا برسد که ظلم و ستم (بی‌نظمی) از زندگی انسان برداشته شود. در جهان بینی الهی از چنین روزی به ظهور منجی یاد شده که در اندیشه اسلامی از آن به مهدویت تعبیر شده است. براساس این باور مردم در انتظار ظهور امام مهدی علیه السلام به سر می‌برند.

براساس این مبنا باور به مهدویت یکی از باورهای اصیلی است که در پرتو آن تلاش و کوشش همه پیامبران به نتیجه خواهد رسید. بنابراین باور به حاکمیت تدبیر الهی در جهان هستی، مقتضی باور به منجی موعود است. پس حاکمیت تدبیر الهی در جهان را می‌توان یکی از مبانی هستی‌شناختی مهدویت بر شمرد.

ب) مهدویت و حکمت الهی

حکمت یکی دیگر از مبانی هستی‌شناختی است که براساس آن، نظام هستی نظام متقن و استواری است که بی‌نظمی و خدشه و خلل در آن راه ندارد. در نتیجه هرچه که در اتقان و استواری فعل الهی خدشه و خلل ایجاد کند، با حکمت الهی ناسازگار است و نمی‌تواند به صورت سنت دائمی و همیشگی باشد. ظلم و ستم بی‌نظمی در نظام هستی است بدین جهت نمی‌تواند رویه دائمی جهان باشد زیرا با حکمت الهی در تضاد است. بنابراین حکمت الهی اقتضا می‌کند که یک روزی فرا برسد که ظلم و ستم (بی‌نظمی) از زندگی انسان برداشته شود. از این رو براساس منابع و متون دینی، با ظهور منجی موعود ظلم و ستم ریشه‌کن خواهد شد و عدالت گسترش همه‌جانبه پیدا خواهد نمود. بنابراین از طرفی حکمت مستلزم اتقان و استواری در افعال الهی است؛ و از طرف دیگر پدیده‌هایی چون ظلم و ستم مخالف اتقان در فعل الهی‌اند؛ پس وجود این‌گونه پدیده‌ها سنت دائمی در جهان هستی نخواهد بود و روزی خواهد آمد که آنها از میان خواهند رفت. این باور در اندیشه اسلامی در قالب اندیشه مهدویت متجلی شده است.

ج) مهدویت و لطف الهی

قاعده لطف یکی دیگر از مبانی هستی‌شناختی است که براساس آن، نظام هستی مبتنی بر لطف الهی است. در اصطلاح متکلمین لطف به نعمات و خیرات و مصالح و گاه بلايا و آلامی گفته می‌شود که برای کمال معنوی و نیل به سعادت اخروی از جانب خداوند به بندگان

بیشتر دوره عمر به خواسته طبیعی‌اش می‌رسد و از اقتضای طبیعت‌اش محروم نخواهد شد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۳۱۳).

می‌رسد و در صورت نبود آن نظام آفرینش لغو و اصل تکلیف عبث می‌شود (حمصی رازی، ۱۴۱۴ق: ج ۱، ۲۹۸).

بر طبق آن، خداوند برای سعادت و کمال انسان، ابزار هدایت را در قالب رسول باطنی به نام عقل و رسول ظاهری را به نام پیامبر در اختیار بشر قرار داده است. براساس مبنای یاد شده جهان هستی به وسیله خدایی حکیم و لطیف و... اداره می‌شود؛ و از آن جا که خداوند حکیم و لطیف است؛ انسان را در رسیدن به هدف و مقصد نهایی خلقت، بدون ارائه طریق و راهنما رها نکرده است. در نتیجه خداوند لطفش اقتضا می‌کند تا در کنار عقل به عنوان رسول باطنی،^۱ رسول ظاهری و امام نیز قرار دهد و از این جهت گفته می‌شود بر خداوند واجب است هادیانی را بفرستد؛ یعنی لطفش مقتضی بعث و نصب هادی، برای راهنمایی انسان هاست. این امر مختص زمان و مکان خاصی نیست. بنابراین تا زمانی که انسانی در جهان هستی وجود داشته باشد، لطف الهی مقتضی وجود هادی است؛ گرچه با نبوت پیامبر اسلام اصل نبوت پایان یافت و در نتیجه لطف الهی دیگر هرگز در لباس نبوت جدید متجلی نخواهد شد، اما این به معنای تعطیل شدن لطف خداوند در امر هدایت نیست. براساس دیدگاه شیعه امامیه، این لطف در قالب امامت با وظایف مخصوص به خود متجلی شده و همواره نیز ادامه خواهد داشت. بنابراین بر طبق قاعده لطف، وجود راهنما و امام لازم و ضروری است. شاهد بر آن روایاتی است که بر لزوم وجود حجت الهی و امام در زمین اشاره دارند.

از دیدگاه شیعه تعداد امامان دوازده نفرند نه کمتر و نه بیشتر. این مطلب از روایاتی که هم اهل تسنن و هم شیعه از رسول خدا ﷺ نقل کرده‌اند؛ استفاده می‌شود. این روایات با الفاظ و تعبیر مختلف نقل شده‌اند؛ مانند: «اثنی عشر خلیفة کلهم من قریش»، «اثنا عشر قیما» در روایاتی که از سوی شیعه نقل شده واژه «اثنی عشر اماما» نیز آمده است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۵۳۲-۵۲۹).

این روایات از نظر تعداد طرقی که نقل شده‌اند در حد تواترند. بر این مطلب برخی از علمای اهل تسنن نیز تصریح کرده‌اند. ابن حزم در این زمینه می‌گوید:

روایت اثنی عشر که همگی از قریش باشند در حد تواتر است (ابن حزم، ۱۴۱۶ق: ج ۴، ۷۴).

۱. در روایات از عقل به رسول باطنی تعبیر شده است؛ در روایت آمده: «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةً وَ حُجَّةَ بَاطِنَةً فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأُيُمَّةُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۱۷).

این احادیث نه از نظر سند قابل خدشه‌اند و نه از نظر متن، حتی برخی از افرادی که در احادیث مهدویت خدشه می‌کنند راجع به اسناد این روایات حرفی ندارند و آن را قبول دارند. با توجه به قطعی بودن این دسته از روایات، در طول تاریخ بسیاری تلاش نموده‌اند تا حدیث «اثنی عشر» را بر خودشان تطبیق دهند. اما باید دقت نمود که این حدیث نه بر خلفای بعد از پیامبر ﷺ قابل تطبیق است؛ و بر امرا و خلفای بنی‌امیه و بنی‌عباس قابل تطبیق نیست؛ زیرا تعداد آنها یا کمتر و یا بیشتر از دوازده نفر است. این حدیث تنها بر دوازده امام که از عترت و اهل بیت رسول گرامی اسلام ﷺ هستند؛ قابل تطبیق است. شاهد بر آن روایاتی است که از طریق شیعه امامیه نقل شده که در آنها اسامی ائمه علیهم‌السلام یکی پس از دیگری به صراحت بیان شده است. در روایتی که امام علی علیه‌السلام از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند اسامی ائمه علیهم‌السلام بیان شده و با تعبیر «اثنی عشر اماما» آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۸۱). دوازده امام یکی پس از دیگری آمده و رفته‌اند تا نوبت رسیده به دوازدهمی آنها که بنا بر مصالحی در حال غیبت به سر می‌برد. بنابراین باور به امامت امام مهدی علیه‌السلام را می‌توان از نتایج قاعده لطف دانست که در ردیف نبوت است. یعنی همان‌طور که نبوت مایه کمال انسان است؛ مهدویت نیز ظرفیت کمال و سعادت را برای انسان فراهم می‌آورد و بدون آن، دعوت پیامبران بی‌فایده خواهد بود. در نتیجه به منظور ترتب فایده بر دعوت پیامبران، لطف الهی مقتضی امامت و مهدویت است. بنابراین لطف الهی اقتضا می‌کند با رسالت رسول خاتم، امامت ادامه‌دهنده راه او باشد و این لطف در قالب دوازده امام متجلی شده است. امام مهدی علیه‌السلام به عنوان امام دوازدهم مظهر و تجلی لطف الهی است؛ پس از این جهت می‌توان قاعده لطف را یکی از مبانی هستی‌شناختی مهدویت بر شمرد. در نتیجه تبیین مبانی عقلی امامت و مهدویت راه برون‌رفت از آسیب یاد شده است.

تبیین نادرست آموزه مهدویت و برداشت ناصواب از روایات

تبیین نادرست آموزه مهدویت و تلقی ناصحیح از آن از جمله آسیب‌های بینشی در این حوزه به‌شمار می‌رود. چنین تبیینی بیشتر توسط افرادی غیرمتخصص و ناآگاه به مبانی دینی و مذهبی صورت می‌گیرد. مهم‌ترین آسیب‌هایی که از این راه متوجه آموزه مهدویت می‌شود؛ عبارتند از:

۱. سست نشان دادن آموزه مهدویت و برداشت سطحی از آن

سست و بی‌پایه نشان داده شدن آموزه مهدویت یکی از دست‌آوردهای تبیین نادرست از آن

است. چنین برداشتی موجب می شود تا این آموزه با کمترین هجمه ای فرو بریزد و از کارکرد تحول زایی و نشاط آفرینی که دارد، باز بماند. موضوعاتی چون تمسک به خواب و رؤیا و استخاره در این زمینه آسیب زاست و بر این قبیل از آسیب ها دامن می زند. مانند استفاده جریان انحرافی «احمد اسماعیل گاطع» معروف به «احمد الحسن» از خواب و استخاره، این جریان برای اثبات حقانیت ادعای خود به دیگران پیشنهاد می کنند با قرآن استخاره کنند. در جزوه ادله جامع دعوت یمانی آمده است «از دیگر دلایل اثبات سید احمد الحسن به این که وی وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام است، شهادت خداوند به وسیله استخاره با قرآن در مورد حقانیت وی است» (حجّامی، ۱۳۹۵ ش: ۳۰۲) و در توجیه این روش نوشته است:

استخاره به قرآن از روش های امداد غیبی خداوند نسبت به بندگان می باشد که خداوند متعال هر بنده ای را بخواهد با آن تأیید می کند (همان: ۳۰۲-۳۰۳).

و در ادامه می نویسد:

این روش اثبات، از ساده ترین و محکم ترین دلایل تأیید سید احمد الحسن می باشد (همان: ۳۰۳).

در واقع عدم تبیین درست آموزه مهدویت، زمینه های لازم را برای بروز و ظهور مدعیان دروغین در عرصه مهدویت فراهم می آورد. با این حربه در طول سالیان غیبت امام زمان علیه السلام افرادی به دروغ، ادعای مهدویت یا ادعای نیابت خاص و یا وکالت و یا بابت از سوی آن حضرت را داشته و از این راه گاه فرقه هایی را ایجاد کرده و موجب انحراف در جامعه می شوند. اینان با سوءاستفاده از باور و اعتقاد مردم به امام زمان علیه السلام و با تحریک عواطف و احساسات جامعه از طریق تشکیل جلساتی خاص، برای خود شخصیت معنوی می سازند و دارای قداست می شوند تا جایی که خود را به عنوان باب مردم به امام زمان علیه السلام معرفی می کنند و با ادعای ارتباط با امام زمان علیه السلام و با ادعای توانایی در برطرف نمودن مشکلات و بیماری ها سعی می کنند تا نظر مردم را به خود جلب نمایند و از این راه به اهداف خویش دست پیدا کنند.

۲. برداشت منفی و ایستا از انتظار

انتظار در برداشت درستش پویا و حرکت آفرین است و موجب نشاط و تحرک جامعه خواهد بود. زیرا انتظار، امیدآفرین است و امید به آینده روشن سبب حرکت و نشاط و پویایی می گردد؛ و هرگونه سستی و افسردگی را از افراد و جامعه برمی دارد و اقدام و عمل و تحرک را به جای آن

می‌نشانند. از اینچنین انتظار در روایات به افضل اعمال امت تعبیر شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۶۴۴).

شهید مطهری رحمه الله درباره چنین برداشتی از انتظار می‌نویسد:

انتظاری که سازنده است، تحرک بخش است، تعهدآور است، عبادت بلکه بافضیلت‌ترین عبادت است... (مطهری، ۱۳۸۹ش: ج ۲۴، ۴۳۶).

روایات فراوانی که بر فضیلت انتظار وارد شده‌اند، بر این مطلب دلالت دارند. اما به‌رغم چنین برداشت روشنی از انتظار، گروهی تصویری دیگر و صددرصد مخالف با آنچه گفته شد از انتظار را ارائه کرده‌اند. و انتظار را به سستی و بی‌تفاوتی و عدم تحرک معنی کرده‌اند. بر طبق این دیدگاه، لازم است منتظران از هرگونه تلاش و کوشش اصلاحی دست بردارند و در برابر زور و فشار و ظلم و فساد سکوت کنند.

شهید مطهری با یادآوری این مطلب، چنین برداشت از انتظار را انتظاری ویرانگر می‌داند؛ بر طبق این برداشت قیام و انقلاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلم‌ها و تبعیض‌ها و اختناق‌ها و حق‌کشی‌ها و تباهی‌ها ناشی می‌شود. و چنین انتظاری که ویرانگر و بازدارنده و فلج‌کننده است (همان: ج ۲۴، ۴۳۶-۴۳۷).

بر طبق این برداشت چون اصلاح جهان از فساد و رفع ظلم از جامعه تنها به دست مبارک امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع صورت خواهد گرفت، پس ما در عصر غیبت در برابر کجی‌ها و فساد و ناهنجاری‌ها وظیفه و رسالتی نداریم و بر این اساس اینان هرگونه حرکت اصلاحی را محکوم به شکست می‌دانند و با آن مخالفت می‌کنند. حتی ممکن است گفته شود وجود فساد و ناهنجاری و ظلم و ستم برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریع مفید و لازم است و نه تنها حرکت اصلاحی انجام داد بلکه باید برای ترویج ناهنجاری‌ها در جامعه اقدام کرد. مخالفت با هرگونه اصلاح در عصر غیبت، از پیامدهای منفی برداشت ناصواب از روایاتی است که می‌گویند ظهور متوقف بر پُر شدن ظلم و جور در زمین است.

در نقد این دیدگاه باید گفت انتظاری که در روایات از آن به «بافضیلت‌ترین عبادات» و «برترین جهاد امت» یاد شده است؛ انتظار منفی و ایستا نیست. بلکه انتظاری است که تعهدآور و سازنده تحرک بخش باید باشد. بر این اساس مردم مسلمان باید به وظایف دینی خود عمل کنند و برای یاری حق آمادگی لازم را پیدا نمایند.

در واقع یک نفر مسلمان به دلیل انتظار «نمی‌تواند از وظایف مسلم و قطعی خود دست بکشد یا نسبت به آن کوتاه بیاید؛ زیرا انتظار ظهور، نه موجب اسقاط تکلیف می‌شود و نه تأخیر

انداختن عمل را تجویز می‌کند» (مظفر، ۱۳۸۲ ش: ۱۱۸).

امام خمینی رحمته الله علیه با تأکید بر انتظار فعال و پویا، مبارزه با ظلم و جور را از رسالت‌های مهم جامعه منتظر در عصر غیبت برشمرده و آن را وظیفه و تکلیف شرعی جامعه منتظر می‌داند. گرچه اجرای عدل کامل و جامع در عصر غیبت ممکن نیست؛ اما به هر مقدار که در توان جامعه منتظر است باید بدان اقدام کند و از این تکلیف نباید شانه خالی نمود (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲۱، ۱۵).

۳. برداشت ناصواب از روایات ظهور

در روایات فراوانی بر نشانه‌ها و علایم و ویژگی‌های ظهور اشاره شده است. گاه برداشت ناصوابی از ظهور می‌شود و آسیب‌هایی را از این ناحیه متوجه فرهنگ مهدویت و انتظار می‌کند. مانند:

الف) توقیت و تعیین وقت برای ظهور

تعیین وقت و توقیت یکی از آسیب‌های برداشت ناروا از روایات ظهور است. اینان با تطبیق برخی از نشانه‌هایی که برای ظهور در روایات مطرح شده را بر جریانات و حوادثی که در طول زمان‌های مختلف رخ می‌دهند؛ تطبیق می‌دهند و برای ظهور وقت تعیین می‌کنند. مهم‌ترین آسیب و اثر منفی تعیین وقت برای ظهور شامل کسانی می‌شود که در دام مدعیان دروغین می‌افتند و وعده‌های دروغین آنان را باور می‌کنند. در نتیجه این باور وقتی بینند در زمان مقرر وعده داده شده، ظهوری محقق نمی‌شود؛ دچار یأس و ناامیدی می‌شوند و گاه ایمان و باور خویش به موعود منجی را از دست می‌دهند.

در نقد این دیدگاه باید گفت که با توجه به آفاتی که توقیت دارد؛ در روایات از آن به شدت نهی شده است و تعیین‌کنندگان وقت، دروغگو شمرده شده‌اند. از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «آیا برای ظهور وقت (معینی) است؟» حضرت فرمودند: «آنها که برای ظهور وقت تعیین می‌کنند، دروغ می‌گویند» (طوسی، ۱۴۱۱ ق: ۴۲۶).^۱

در روایتی دیگر از امام سجاد علیه السلام نیز به این نکته اشاره شده است (ابن بابویه، ۱۳۹۵ ق: ج ۲، ۳۷۸).

۱. كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِذْ دَخَلَ عَلَيْهِ مِهْرَمُ الْأَسَدِيِّ فَقَالَ أَخْبِرْنِي جُعِلْتُ فِدَاكَ مَتَى هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَنْتَظِرُونَهُ فَقَدْ ظَالَ فَقَالَ يَا مِهْرَمُ كَذَبَ الْوَقَّاتُونَ وَ هَلَكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ تَجَا الْمُسْلِمُونَ وَ إِلَيْنَا يَصِيرُونَ.

ب) استعجال در ظهور

استعجال در ظهور یکی دیگر از این دست از آسیب‌هاست. استعجال به معنای عجله کردن و خواستن چیزی قبل از رسیدن وقت آن و قبل از تحقق زمینه‌های لازم برای آن است. بر طبق فرهنگ انتظار انسان منتظر، همواره باید خود را برای تحقق ظهور آماده نگه دارد و با تمام وجود و اشتیاق، خواستار تحقق ظهور باشد؛ ولی هرگز عجله نکند و هر چه غیبت به درازا کشیده شود و انتظار، طولانی گردد، باز هم صبر و شکیبایی را از دست ندهد؛ و در برابر اراده پروردگار و خواست او تسلیم باشد. ایجاد یأس و نومیدی و حتی انکار وجود امام از آثار مهم این آسیب به‌شمار می‌رود.

با توجه به آثار مخرب استعجال در روایات از هلاکت مستعجلین و شتاب‌کنندگان در ظهور یاد شده است. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید این امری که در انتظارش هستیم، کی واقع می‌شود؟ آن حضرت فرمودند:

مستعجلین و شتاب‌کنندگان در این امر هلاک شدند و تسلیم شوندگان نجات یافتند (همان: ۴۲۶).^۱

ج) تطبیق علائم ظهور بر افراد و موارد خاص

تطبیق نشانه‌ها و علائم ظهور بر مصادیق خاص و پدیده‌های مشخص، یکی دیگر از آسیب‌ها در این حوزه است. زیرا مردم وقتی ببینند علیرغم تحقق آن مصادیق، هرگز ظهوری محقق نمی‌شود؛ دچار یأس و نومیدی می‌شوند و آسیب جدی به باورهای مردم وارد خواهد شد و «عده‌ای به انحراف و اشتباه گرفتار می‌شوند و در اعتقادات صحیح خود دچار تزلزل و تردید می‌گردند» (بالادستیان، ۱۳۹۳: ۲۵۸). به‌گونه‌ای که ممکن است به انکار مهدویت و انتظار دچار شوند.

از این جهت در روایاتی چند به این مهم اشاره شده است. مرحوم مجلسی در این باره روایتی را از مرحوم نعمانی آورده که ندای آسمانی را به عنوان یکی از علائم حتمی ظهور فصل الخطاب معرفی کرده است. واضح است از این علامت نمی‌توان بدلی ساخت و از آن سوءاستفاده نمود «این کاری که شما گردن‌های تان را به جانبش می‌کشید، نخواهد شد تا این که نداکننده‌ای از آسمان آواز دهد: بدانید که فلانی صاحب امر است» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۵۲،

۱. «... وَ هَلَاكَ الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ نَجَا الْمُتَوَكِّلُونَ...».

۴. تلقی نادرست از روایاتی که هرگونه قیام قبل از ظهور حضرت مهدی علیه السلام را محکوم به شکست می‌دانند

در مجامع روایی امامیه، روایاتی وجود دارد که هرگونه قیام و نهضت و جنبش قبل از قیام و ظهور حضرت مهدی علیه السلام را ممنوع دانسته و پرچم برافراشته شده را مظهر طاغوت و حکومت برآمده از آن را غیرمشروع می‌دانند. وجود چنین روایاتی موجب شده تا عده‌ای با تمسک به این روایات، هرگونه قیام و نهضت را قبل از ظهور ممنوع و منهی دانسته و آنها را محکوم کنند. اینک به چند نمونه از این روایات اشاره می‌شود:

(الف) دسته‌ای از روایات قیام قبل از ظهور قائم علیه السلام را به جوجه‌ای تشبیه کرده‌اند که قبل از این که بال و پر در بیاورد و قدرت بر پرواز داشته باشد؛ بخواهد از لانه‌اش بیرون آید و پرواز کند؛ واضح است که سقوط می‌کند و به دست بچه‌ها می‌افتد و در نهایت نابود می‌شود^۱ «به خدا سوگند، هیچ یک از ما (اهل بیت) پیش از قیام قائم خروج نمی‌کند مگر آن که مثل او مثل جوجه‌ای است که قبل از محکم شدن بال‌هایش از آشیانه پرواز نموده است و کودکان او را گرفته و وسیله بازی خود قرار می‌دهند» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ج ۸، ۲۶۴).^۲

در این روایت هرگونه قیام قبل از قیام امام مهدی علیه السلام به جوجه‌ای تشبیه شده که پر در نیاورده و بال‌هایش کامل نشده باشد؛ از لانه خود بیرون آید که به راحتی بچه‌ها او را خواهند گرفت و با او بازی خواهند کرد و در نهایت نابود خواهد شد و مجالی برای رشد و بلوغ نخواهد داشت.

(ب) در برخی از روایات آمده هر قیامی قبل از قیام امام مهدی علیه السلام صاحب آن طاغوت است و محکوم به شکست و مردود می‌باشد. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده: هر پرچمی که پیش از قیام قائم برافراشته شود، صاحبش طاغوت است (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۱۱۴).

(ج) دسته‌ای از روایات مردم را به نشستن و توقف در خانه سفارش کرده و از آنها خواسته شده از ورود در هرگونه قیام و نهضت خودداری کنند. بر طبق روایتی امام امیرالمؤمنین علیه السلام از

۱. «عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام يَقُولُ لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ الَّذِي تَمُدُّونَ أَعْيُنَكُمْ إِلَيْهِ حَتَّى يَنَادِيَ مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَلَا إِنَّ فُلَانًا صَاحِبُ الْأَمْرِ...».

۲. «عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ رَبِيعٍ رَفَعَهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ: وَاللَّهِ لَا يَخْرُجُ وَاحِدٌ مِنَّا قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام إِلَّا كَانَ مِثْلَهُ مَقْلٍ قَرِخَ طَارٍ مِنْ وَكْرِهِ قَبْلَ أَنْ يَسْتَوِيَ جَنَاحَاهُ فَأَخَذَهُ الصَّبِيَّانُ فَعَبُّوا بِهِ».

مردم خواسته است تا در خانه های خود بنشینند و از انجام هرگونه قیام و نهضتی خودداری کنند:

بر جای خود محکم بایستید، در برابر بلاها و مشکلات استقامت کنید، شمشیرها و دست ها را در هوای زبان های خویش به کار بگیرید، و آنچه که خداوند شتاب در آن را لازم ندانسته شتاب نکنید، زیرا هر کس از شما که در بستر خویش با شناخت خدا و پیامبر ﷺ و اهل بیت پیامبر ﷺ بمیرد، شهید از دنیا رفته و پاداش او بر خداست، و ثواب اعمال نیکویی که قصد انجام آن را داشته خواهد برد، و نیت او ثواب شمشیر کشیدن را دارد. همانا هر چیزی را وقت مشخص و سرآمدی معین است (نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، ۲۸۲).^۱

بعضی از افراد و جریانات از ظاهر این دسته از روایات، این گونه برداشت کرده اند که هر قیامی قبل از قیام امام مهدی ﷺ محکوم و مردود است؛ بنابراین در برابر قیام و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران که قیامی بر ضد طاغوت و استکبار و در جهت برقراری احکام الهی است، موضع نادرستی گرفته اند و با آن همراهی نمی کنند.

بر طبق این برداشت با تشکیل حکومت و نظام سیاسی اجتماعی در عصر غیبت مخالفت می شود. بر طبق این برداشت حکومت مخصوص امام زمان ﷺ و منحصر به ایشان است و تشکیل هر حکومتی پیش از ظهور حرام خواهد بود؛ و پیش از ظهور، کسی حق ندارد حکومت تشکیل دهد. چنین برداشتی از این روایت آسیب زاست و پیامد منفی آن تمکین و سرسپردگی در مقابل حکام جور و عدم تلاش برای تشکیل حکومت عدل است.

امام خمینی رحمه الله در تبیین این برداشت آسیب زا می گوید:

یک دسته دیگری بودند که می گفتند که هر حکومتی اگر در زمان غیبت محقق بشود، این حکومت باطل است و برخلاف اسلام است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲۱، ۱۴).

بر طبق این برداشت، اینان می گویند:

ما کار نداشته باشیم به این که در جهان چه می گذرد، بر ملت ها چه می گذرد، بر ملت ما چه می گذرد؛ به این چیزها ما کار نداشته باشیم، ما تکلیف های خودمان را عمل

۱. «الزُّمُوا الْأَرْضَ وَاصْبِرُوا عَلَى الْبَلَاءِ وَلَا تُخْرِكُوا بِأَيْدِيكُمْ وَشُيُوفِكُمْ فِي هَوَى الْأَسَنَتِكُمْ وَلَا تَسْتَعْجِلُوا بِمَا لَمْ يَعْجَلِ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنَّهُ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ عَلَى فِرَاشِهِ وَهُوَ عَلَى مَعْرِفَةِ حَقِّ رَبِّهِ وَحَقِّ رَسُولِهِ وَاهْلِ بَيْتِهِ مَاتَ شَهِيداً وَوَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَاسْتَوْجِبَ ثَوَابَ مَا تَوَى مِنْ صَالِحِ عَمَلِهِ وَقَامَتِ الْيَتِيمَةُ مَقَامَ إِصْلَاحِهِ بِسَيِّفِهِ فَإِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً وَأَجَلاً».

می‌کنیم، برای جلوگیری از این امور هم خود حضرت بیایند ان شاء الله، درست می‌کنند؛ دیگر ما تکلیفی نداریم. تکلیف ما همین است که دعا کنیم ایشان بیایند و کاری به کار آنچه در دنیا می‌گذرد یا در مملکت خودمان می‌گذرد، نداشته باشیم (همان: ج ۲۱، ۱۳).

براساس این برداشت عالمان دین و فقیهان نباید در امور حکومتی و سیاسی دخالت کنند و کاری به امور سیاسی اجتماعی نباید داشته باشند.

امام خمینی رحمته الله علیه دست سیاست‌بازان مکار را در باره چنین برداشتی مؤثر دانسته و با تأکید بر این مطلب در این باره می‌گوید:

چون دست سیاست در کار بوده، این اشخاص غافل را، اینها را بازی دادند و گفتند: شما کار به سیاست نداشته باشید، حکومت مال ما، شما هم بروید توی مسجدهای تان بایستید نماز بخوانید! چه کار دارید به این کارها (همان: ج ۲۱، ۱۶).

در پاسخ باید گفت که نهی از قیام در این دسته از روایات یا متوجه شرکت در قیام‌های باطل است که انگیزه الهی ندارند و یا متوجه قیام‌هایی است که بدون توجه به شرایط و زمینه‌های لازم انجام می‌گیرند که محکوم به شکست خواهند بود و یا متوجه حرکت‌هایی است که به ناحق و از روی دروغ با نام و به عنوان قیام مهدوی شروع می‌گردند؛ طبیعی است که چنین قیام‌های به ثمر نخواهند نشست و شکست‌شان قطعی خواهد بود لذا در روایت به جوجه بی بال و پر تشبیه شده است. بنابراین نهی از قیام قبل از ظهور که در روایات یاد شده آمده هرگز متوجه انقلاب و حرکتی مانند انقلاب اسلامی ایران که در مسیر اصلاح و تحول جامعه به سمت خوبی‌ها و کمالات است نخواهد بود.

امام خمینی رحمته الله علیه در نقد این دیدگاه می‌گوید:

بعض روایاتی که وارد شده است بر این امر که هر علمای بلند بشود قبل از ظهور حضرت، آن علم، علم باطل است. آنها خیال کرده بودند که نه، هر حکومتی باشد، در صورتی که آن روایات [اشاره دارد] که هرکس علم بلند کند با علم مهدی، به عنوان «مهدویت» بلند کند، [باطل است] (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ ش: ج ۲۱، ۱۴).

با فرض این که سند این دسته از روایات را بپذیریم چون با مجموعه معارف دینی به خصوص با دستور صریح دین در امر به معروف و نهی از منکر مخالفت دارند؛ لذا نمی‌توان بر طبق مضمون این دسته از روایات عمل نمود و بدان‌ها ملتزم شد.

امام خمینی در این باره می‌گوید:

ما اگر فرض می‌کردیم دویست تا روایت هم در این باب داشتند، همه را به دیوار می‌زدیم؛ برای این‌که خلاف آیات قرآن است. اگر هر روایتی بیاید که نهی از منکر را بگوید نباید کرد، این را باید به دیوار زد. این گونه روایت قابل عمل نیست (همان: ج ۲۱، ۱۶).

بنابراین این دسته از روایات هرگز ناظر به نفی هر گونه قیام و نهضت نیست و مراد از نفی اهتزاز پرچم، پرچمی است که به نام امام مهدی علیه السلام و با ادعای مهدویت برپا گردد نه هر پرچمی که برای برطرف کردن ظلم و ستم برپا شود و قیام و نهضت برای این منظور به وجود آید.

۵. برداشت ناصواب از روایاتی که فراگیری ظلم و جور را شرط ظهور می‌دانند

روایات بسیاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده که آن حضرت فرمودند: قیامت برپا نمی‌شود تا این‌که فردی از اهل بیت که همنام من است حکومت کند. توسط وی زمین پر از عدل و قسط می‌شود همان گونه که از ظلم و جور پر شده باشد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۰ق: ج ۴، ۶۰۰).^۱

برخی با برداشت ناصواب از این دسته از روایات و با تمسک به آنها، هرگونه مبارزه با ظلم و ستم را در عصر غیبت نفی کرده و زمینه‌سازی برای ظهور را به هیچ وجه تجویز نمی‌کنند و آن را منافای با ظهور می‌دانند. اینان حتی ممکن است برای نزدیک شدن ظهور و تحقق آن، جامعه را به فراگیری ظلم و ستم توصیه کنند.

بر طبق این برداشت هرگونه حرکت اصلاحی در جامعه ممنوع است. از منظر این گروه باید عالم پر از معصیت بشود تا امام مهدی علیه السلام ظهور کند؛ باید بگذاریم مردم هرکاری دل‌شان خواست انجام دهند و از امر به معروف و نهی از منکر باید صرف‌نظر کرد تا گناهان زیاد شوند و دنیا پر از ظلم و جور شود.

امام خمینی رحمه الله در این باره می‌گوید:

یک دسته‌ای می‌گفتند: باید به گناهان دامن زد و مردم به انجام گناه دعوت نمود؛ تا دنیا پر از جور و ظلم بشود و حضرت - سلام الله علیه - تشریف بیاورند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ج ۲۱، ۱۴).

۱. «لا تقوم الساعة حتى تملأ الأرض ظلماً و جوراً و عدواناً ثم يخرج من أهل بيتي من يملأها قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و عدواناً»؛ «لا تقوم الساعة حتى يملك رجل من أهل بيتي يواطئ اسمه اسمي، يملأ الأرض عدلاً و قسطاً، كما ملئت ظلماً و جوراً».

شهید مطهری نیز در آثار خود این دیدگاه را تبیین نموده و در خصوص مخالفت این گروه با امر به معروف و نهی از منکر می گوید:

این گروه طبعاً به مصلحان و مجاهدان و آمران به معروف و ناهیان از منکر با نوعی بغض و عداوت می نگرند، زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف می شمارند (مطهری، ۱۳۸۹ ش: ج ۲۴، ۴۳۷).

این برداشت به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی سازگار نیست؛ زیرا در آیات و روایات بسیاری به اصلاح جامعه از راه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک تکلیف مهم الهی دستور داده شده است. در انجام این دستور نیز تفاوتی بین عصر حضور معصوم ع و غیبت ایشان وجود ندارد.

آیات و روایات در این خصوص بسیار است. مانند این دستور الهی که می فرماید: باید از میان شما، جمعی مردم را به خیر و صلاح و نیکی دعوت کنند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، آنان همان رستگارانند.^۱

در این آیه به امر الهی مبنی بر دعوت به خیر و صلاح و امر به معروف و نهی از منکر تصریح شده است. از منظر الهی کار اینان از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند آنان را از رستگاران معرفی نموده است. بنابراین هرگونه برداشت از روایات مهدویت که دعوت جامعه به ترک از چنین واجباتی را به دنبال داشته باشد؛ با کتاب الهی و سنت قطعی معصومان مخالفت است.

نتیجه گیری

آسیب شناسی مطالعه ای است که با هدف شناسایی و درمان اختلالات و آسیب ها صورت می گیرد، و برآیند آن پیشنهاد راه حل های مناسب برای دفع و یا رفع آفات و آسیب ها می باشد. آسیب شناسی فرهنگی عبارت است از شناخت اختلالات و آفات و عوامل آن که ممکن است در عناصر اصلی فرهنگ یعنی بینش ها، ارزش ها، رفتارها، هنجارها و نمادها و سمبل ها رخنه کنند و آنها مورد تهاجم خویش قرار دهند.

آسیب شناسی فرهنگ مهدویت عبارت است از شناخت عوامل پدیدآورنده و زمینه ساز آفات و آسیب هایی که در لایه های مختلف فرهنگ مهدوی ممکن است صورت بگیرد. کارکردهای

۱. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴).

فرهنگی آموزه مهدویت در چند لایه بینش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، رفتارها و نمادها ظهور و بروز دارد. در این پژوهش در تبیین به آسیب‌های بینشی که ممکن است کارکردهای فرهنگی آموزه مهدویت را تهدید نمایند مورد ارزیابی قرار داده شده و در مجموع از مهم‌ترین آسیب‌هایی که متوجه آن است بحث و گفتگو شده است.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۹ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، دوم.
۲. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۹۶ش)، *روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی*، تهران: سمت، دوم.
۳. الهی‌نژاد، حسین (۱۴۰۱ش)، *مهدویت پژوهی تطورات و آسیب‌ها*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۴. بالادستیان، محمد امین و همکاران (۱۳۹۳ش)، *نگین آفرینش*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، پنجاه و نهم.
۵. ترخان، قاسم (۱۳۹۵ش)، «برایند مبانی جهان شناختی الگوی اسلامی پیشرفت»، *قبسات*، شماره ۸۰.
۶. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله (۱۴۲۰ق)، *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت: المكتبة العصریه.
۷. حجامی، حسین (۱۳۹۵ش)، *نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۸. حمصی رازی، محمود بن علی (۱۴۱۴ق)، *المنتقد من التقليد*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، اول.
۹. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲ش)، *لغت‌نامه*، تهران: نشر دانشگاه تهران، اول.
۱۰. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۳ش)، *اصالت مهدویت*، قم: دفتر نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی.
۱۱. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ش)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی، دوم.
۱۲. طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبه*، قم: دارالمعارف الإسلامیه، اول.

۱۳. عمید، حسن (۱۳۶۳ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر، اول.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چهارم.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا، چهارم.
۱۶. معین، محمد (۱۳۶۴ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر، هفتم.
۱۷. ملکی‌راد، محمود (۱۳۹۷ش)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۱۸. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه، پنجم.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *الغیبه*، قم: انوار الهدی، اول.

